



۱۴ مرداد؛ روز صدور فرمان مشروطیت و نقش مهم مردم تبریز

پس از به توپ بستن مجلس بسیاری از شهرها در سایه وحشت فرو رفتند؛ اما مردم تبریز به فرمان ستارخان و باقرخان، یازده ماه مقاومت جانانه کردند و مشروطه را از فروپاشی نجات دادند.

پس از به توپ بستن مجلس بسیاری از شهرها در سایه وحشت فرو رفتند؛ اما مردم تبریز به فرمان ستارخان و باقرخان، یازده ماه مقاومت جانانه کردند و مشروطه را از فروپاشی نجات دادند.

خبرگزاری مهر، گروه استان ها: صبح روز چهاردهم مردادماه ۱۲۸۵، تهران آرام نبود. خیابان ها هنوز در تب و تاب چند هفته بست نشینی، درگیری، اعتراض و التهاب بود. هوا بوی باروت نمی داد، اما بوی تغییر می داد. چند روزی می شد که دروازه های سفارت انگلیس مأمن هزاران نفر شده بود؛ از علما و بازاریان گرفته تا شاگردان مدرسه و پیشه وران. همه آمده بودند تا چیزی طلب کنند که تا آن روز در تاریخ ایران بی سابقه بود: عدالت، قانون و مجلس.

در همان روز تاریخی، مظفردالدین شاه قاجار در کاخ صاحبقرانیه، پس از ماه ها فشار اجتماعی و سیاسی، سرانجام فرمان مشروطیت را امضا کرد. فرمانی که نخستین گام رسمی ایران به سوی حاکمیت قانون و مشارکت مردم در اداره کشور بود. این امضا، نه صرفاً یک حرکت سیاسی، بلکه آغاز عصری تازه در تاریخ ایران بود؛ عصری که اگرچه پر از فراز و فرود بود، اما راه را به روی مفاهیم جدیدی چون قانون، مسئولیت پذیری حکومت، و حقوق شهروندی گشود.

بذر مشروطه از کجا رویید؟

جنبش مشروطه محصول یک شب نبود. بذره های آن سال ها پیش کاشته شده بود؛ از دل فقر و تبعیض، استبداد، شکست های نظامی، عقب ماندگی اقتصادی، فساد درباری و دخالت بیگانگان. مردم، به ویژه طبقه متوسط نوپدید، علما، روشنفکران، تجار و اصناف، به تدریج درک کردند که بدون مشارکت در قدرت و نظارت بر حکومت، سرنوشت کشور در دستان شاهان بی پاسخگو باقی خواهد ماند.

جرقه آغاز نهضت، با ماجرای تنبیه تاجری در بازار تهران و اخراج علمای بزرگ به قم زده شد. سپس ماجرای قندفروشان و برخورد خشونت آمیز با مردم، خشم عمومی را شعله ورتر کرد. در مرداد ۱۲۸۴، در اعتراض به اوضاع اقتصادی و استبداد حکومتی، علما در حرم عبدالعظیم بست نشستند. و یک سال بعد، در تیر ۱۲۸۵، بست نشینی بزرگ در سفارت انگلیس در تهران، کار را به نقطه انفجار رساند. در نهایت، مظفردالدین شاه برای آرام کردن اوضاع، فرمان مشروطیت را امضا کرد.

فرمانی برای مردم؛ مجلس، قانون، مشارکت

متن فرمان، که به دست احمد قوام السلطنه نگارش و خطاب به صدر اعظم وقت، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صادر شد، بر تشکیل مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان منتخب مردم تأکید داشت: «… مقرر است که مجلس شورایی از منتخبین طبقات مردم… منعقد گردد تا در امورات دولت و مملکت مشارکت و مشاورت نمایند.»

این فرمان، اولین گام در جهت گذار از نظام استبدادی سلطنت مطلقه به سوی حکومت مشروطه بود؛ حکومتی که در آن، قدرت شاه محدود می شد و نمایندگان ملت در سرنوشت کشور نقش ایفا می کردند.

در پی این فرمان، تدوین نظام نامه انتخابات و تشکیل مجلس اول در مهرماه ۱۲۸۵ انجام شد. سپس، در دی ماه همان سال، اولین قانون اساسی ایران در ۵۱ اصل تدوین و به امضای شاه رسید. در سال ۱۲۸۶، متمم قانون اساسی نیز نوشته شد که در آن، حقوق ملت، آزادی بیان، تفکیک قوا و برابری همه در برابر قانون به رسمیت شناخته شد.

تبریز، سنگر خونین مشروطه

اگر تهران محل تولد رسمی مشروطیت بود، بی تردید تبریز قلب تپنده آن بود. نقشی که مردم تبریز در استمرار، حمایت و دفاع از مشروطه ایفا کردند، در تاریخ این نهضت جایگاهی بی بدیل دارد. پس از آنکه محمدعلی شاه در سال ۱۲۸۷ مجلس اول را به توپ بست و بسیاری از مشروطه خواهان را سرکوب کرد، سکوت و ترس در بسیاری از شهرها حاکم شد؛ اما تبریز ایستاد.

در همین روزها بود که دو نام بزرگ، به نماد مقاومت یک ملت بدل شدند: ستارخان، سردار ملی، و باقرخان، سالار ملی. آنان با همراهی هزاران زن و مرد تبریزی، بدون حمایت رسمی از هیچ دولت یا نیروی خارجی، نزدیک به یازده ماه در برابر قوای قزاق، نیروی سلطنتی و مزدوران استبداد ایستادگی کردند.

محلّه ها سنگربندی شد، نانوایان نان را رایگان پخش کردند، زنان فشنک سازی می کردند، نوجوانان به دیده بانی می پرداختند و مردان در میدان می جنگیدند. مقاومت تبریز، نه تنها چراغ مشروطه را خاموش نکرد، بلکه آن را به پایتخت و دیگر شهرها رساند. بدون تبریز، شاید مشروطه هرگز دوباره قد علم نمی کرد.

مشروطه، خاطره ای زنده در وجدان تاریخی ما

مشروطه را باید نه فقط به عنوان یک واقعه سیاسی، بلکه به عنوان یک دگرگونی فرهنگی و فکری در تاریخ ایران دید. این جنبش، زبان تازه ای به مردم آموخت؛ زبانی که در آن «حق»، مفهومی عمومی شد و مردم دریافتند که می توانند در سرنوشت خویش شریک باشند. شکاف عمیقی که تا آن زمان میان مردم و قدرت وجود داشت، با صدور فرمان مشروطه نخستین ترک را برداشت.

میراث مشروطه، فراتر از مجلس و قانون اساسی، در جان جامعه ایرانی ریشه دواند. در مدرسه، روزنامه، انجمن، و حتی ادبیات و شعر و طنز آن روزگار، روح بیداری جریان یافت. صدای مردم، که تا پیش از آن تنها در پیچ بازار و حجره ها شنیده می شد، به سطح رسمی و علنی آمد و واژگانی چون «ملت»، «نماینده»، «نظارت» و «مشورت» از گفتمان خواص به زبان عامه رسید.

و در میان این بیداری، نام تبریز همیشه زنده است؛ شهری که در روزهای سخت، دروازه مشروطه را بسته نگذاشت. در هر بازخوانی از نهضت مشروطه، باید تبریز را نه یک شهر، که یک قله دید؛ قله ای از آگاهی، فداکاری و پایمردی.

۱۴ مرداد، فقط روز صدور فرمانی رسمی نیست؛ یادآور تلاشی دسته جمعی برای ساختن بنیانی تازه است. نهضت مشروطه، آزمونی بزرگ برای جامعه ای بود که در آستانه مدرن شدن ایستاده بود و می کوشید راهی مستقل و عزتمند برای خود بیابد. بازخوانی این روز، ادای دین به مردمانی است که با قلم، خطابه، رنج و ایستادگی، افق تازه ای را در تاریخ ایران گشودند.